

روح القدس کیست؟
درس ۶: تاب آورنده
دکتر سینکلر بی. فرگوسن

ما در مطالعه‌ی چند درس اخیر که باهم داشتیم؛ به‌طور خاص به بررسی ارتباط بین خداوند عیسی و کار و مأموریت روح القدس، پرداختیم. و می‌خواهم در این درس هم به این بررسی ادامه بدیم و چهارمین نکته‌ی موجود در خدمت عیسی رو مطالعه کنیم که می‌گه روح القدس، در سراسر خدمت و مأموریت عیسی، همراه اون بود، اما به روش بسیار مخصوصی، عیسی رو مراقبت می‌کرد. و این‌طوری می‌تونیم موارد بیش‌تری رو هم درمورد ارتباط بین خداوند عیسی و روح القدس، ببینیم و به‌همین دلیل می‌تونیم درباره‌ی شخص روح القدس، شگفتی‌های خدمت روح القدس و هرآن‌چه از اون برای ما مفهوم داره؛ چیزهای بیش‌تری یاد بگیریم.

پس روح القدس، از زمان در رحم قرار گرفتن و رشد کردن عیسی خداوند، حاضر بود، روح القدس در زمان تعمید، وسوسه شدن و قطعاً در سرتاسر خدمت و مأموریت عیسی کنار اون حضور داشت. ولی درباره‌ی بخش آخر و سرانجام زندگی عیسی چه می‌شه گفت؟ آیا هیچ نشانه‌ای هست که به ما بگه روح القدس در پایان زندگی و خدمت عیسی، همراهش بود، یا اونو رها کرد؟ این‌جا کلام مقدس خدا، سرخ‌های فراوانی در این زمینه به ما می‌ده. به‌عنوان مثال، به گفته‌های به‌یاد ماندنی نویسنده‌ی رساله‌ی به عبرانیان ۹ : ۱۴، فکر کنین:

نویسنده در این‌جا داره درمورد شیوه‌ای صحبت می‌کنه که در کلام مقدس خدا در عهد عتیق، خون حیوانات، به‌صورت نمادین، نشانه‌ای از آمرزش گناهان بود. و می‌خواد بگه که آمرزش واقعی گناهان، تنها و یکبار برای همیشه از طریق قربانی شدن بره‌ی بی‌عیب خدا، حاصل می‌شه که خودش رو قربانی کرد تا ضمیر و باطن ما رو پاک کنه. اون این‌طور بیان می‌کنه: "... خون مسیح که به روح ازلی خویشتن را بی‌عیب به خدا گذرانید..." مسیح با روح جاودانی و بدون عیب، خودش رو به خدا تقدیم کرد. حالا انجیل‌ها سرخی به ما می‌دن که موضوع اصلی، روشی هست که عیسی از روح القدس، قدرت می‌گیره، ولی رساله‌ی به عبرانیان، میاد و موضوع رو کاملاً بیان می‌کنه. یعنی وقتی عیسی خودش رو در قربان‌گاه جلجتا، تقدیم کرد، روح القدس، عیسی رو در اون خدمت، حفاظت می‌کرد. فکر کنیم ببینیم منظورش چیه.

ما خیلی وقت‌ها به این فکر می‌کنیم که در ارتباط میان پدر آسمانی و جنبه‌ی انسانی عیسی خداوند بر روی صلیب، چه چیزی در جریان بود. عیسی با ناله و فریاد، از مزمور ۲۲ نقل‌قول می‌کنه: «خدای من، خدای من، چرا مرا ترک کرده‌ای؟» ولی این‌جا در رساله‌ی به عبرانیان می‌گه

که اگرچه عیسی احساس می‌کرد به‌خاطر داوری و خشم خدا، از طرف خدا طرد شده و خدا اونیو ترک کرده - چون عیسی داشت گناهان برگزیدگان خودش رو بر خودش حمل می‌کرد - ولی حتی در اون زمان هم که روی صلیب، زجر می‌کشید، همدم همیشگی زندگیش، یعنی روح القدس، ازش مراقبت می‌کرد. این به‌نحو شگفت‌آوری، یکی از تناقضات ظاهری خدمت و کار عیسی بود، یعنی اگرچه عیسی در مقام بردارنده‌ی گناهان ما بود، ولی داشت داوری و غضب خدا رو احساس می‌کرد، و روح القدس، مراقبش بود تا بتونه گناه تمام جهان رو برداره. و هرآنچه در مورد مرگ عیسی برای ما صادق بود، هم‌چنین در مورد رستاخیز عیسی هم صادق می‌کنه. پولس اینو در ابتداء نامه‌ی برجسته‌ی خودش به رومیان می‌گه که خیلی مشهور هست. در رساله‌ی پولس به رومیان ۱ : ۴ نوشته شده که عیسی که برحسب جسم، از نسل داود هست، در قدرت و به‌حسب روح قدّوسیت و به‌خاطر رستاخیز از مردگان، پسر خدا نامید شده.

پولس در این‌جا چی داره می‌گه؟ ما به این نظریه عادت کردیم که پدر، پسرش رو از مردگان برخیزانیده. ولی پولس داره می‌گه که روح القدس هم در رستاخیز عیسی، حضور و نقش داشته. و یکی از کارهایی که روح القدس در رستاخیز عیسی انجام می‌ده، اینه که از عیسی دفاع می‌کنه و در رستاخیز اون اشاره می‌کنه که عیسی واقعاً پسر خداست. روح القدس در تمام خدمت و مأموریت زمینی عیسی و به‌ویژه در قربانی شدنش بر صلیب، ناتوانی و ضعفش رو امداد می‌کنه. ولی حالا در رستاخیز او، روح القدس به‌گونه‌ای خارق‌العاده، به عیسی قدرت تبدیل می‌بخشه و عیسی از مردگان، قیام می‌کنه.

و هم‌چنین در صعود عیسی، اتّفاقی می‌افته که قبلاً اونو بررسی کردیم. یادتون هست که این روی‌داد، چه‌طور در نخستین فصل کتاب اعمال رسولان، شرح داده شده. عیسی شاگردانش رو برکت می‌ده و در ابرها به آسمان، صعود می‌کنه. و به شاگردانش می‌گه: "لیکن چون روح القدس بر شما می‌آید، قوّت خواهید یافت..." و در اعمال ۱: ۹ می‌گه: "و چون این‌را گفت، وقتی‌که ایشان همی‌نگریستند، بالا برده شد و ابری او را از چشمان ایشان در ربود."

فکر می‌کنم که تا حالا به‌اندازه‌ی کافی در کلام مقدّس خدا دیدیم که بفهمیم پدیدار شدن و اشاره به ابرها در کلام مقدّس خدا، اتّفاقی نیست. ابرها یک روی‌داد و پدیده‌ی جوی، هواشناسی و تغییر آب‌وهوایی نیستن که تصادفی، ظاهر بشن. این ابر، ابر جلال خدا هست، که قبلاً در کتاب خروج خون‌دیم که روح القدس با اون، قوم رو از اسارت، به سرزمین موعود، رهبری فرمود. این ابر جلال هست که وقتی چهره‌ی عیسی در بالای کوه، تغییر کرد و درخشید، پایین اومد. این ابر جلال هست که نشانه‌ای از حضور روح مقدّس خداست.

تقریباً حالا انگار این روح القدس که زمانی همراه همیشگی عیسی در خدمت و مأموریتش بود و اونو در کارش، مراقبت می‌کرد، درحقیقت، ارباب‌رانی شده که عیسی رو به خانه‌ی جلال، برمی‌گردونه. خیلی از مسیحیان اولیه، تمایل داشتن درباره‌ی مزمور ۲۴ هم به همین شیوه، فکر و برداشت کنن. از کلام خدا یادتون هست وقتی صدای این فریاد، شنیده می‌شد که: "این پادشاه جلال، کیست؟..." و بعد در پاسخ می‌گفتن: "خداوند قدیر و جبار، پادشاه جلال، اوست."

و اونا عادت داشتن که فرشتگان و ملائکه رو به‌تصویر بکشن که بر برج‌ها و دژهای آسمانی، به دیده‌بانی ایستادن تا خداوند در جلالش، از مأموریت زمینی خودش برگرده. "ای دروازه‌ها، سرهای خود را برافرازید، ای درهای ابدی برافراشته شوید تا پادشاه جلال، داخل شود!" و زمانی‌که اونا می‌پرسن: "این پادشاه جلال کیست؟" انگار این روح خداست که در ابری از جلال همانند ایلیا، عیسی رو در شکوه و جلال و در پیروزی به خانه می‌بره و انگار خود روح القدس هست که در آسمان و خطاب به لشکر آسمانی می‌گه: «خداوند می‌آید، ای دروازه‌ها، سرهای خود را برافرازید، تا پادشاه جلال، داخل شود!»

و بنابراین ما متوجه می‌شیم که به این ترتیب هست که عیسی با قدرت روح القدس در رحم قرار می‌گیره. عیسی با قدرت روح القدس، مراقبت می‌شه. عیسی با قدرت روح القدس، رنج صلیب رو تحمل می‌کنه. عیسی با قدرت روح القدس، حمایت و پشتیبانی می‌شه و عیسی با قدرت روح القدس در جلال به خانه‌ی آسمان برمی‌گرده.

حالا یک نکته‌ی دیگه هم هست که پیش از این‌که جلوتر بریم، باید بهش توجه داشته باشیم. و اون نکته، روشی هست که پولس رسول به اهمیت ذاتی تمام جوانب ارتباط بین عیسی خداوند و روح القدس، فکر می‌کنه. و باید اذعان کنم که پولس این کار رو در یک عبارت بسیار پیچیده درباره‌ی رستاخیز، و در رساله‌ی اول خودش به قرنتیان فصل ۱۵، انجام داده. شاید خوب باشه که این کلام رو بخونیم. رساله‌ی اول پولس به قرنتیان ۱۵، به‌ویژه آیات ۴۲ تا ۴۹. پولس در این‌جا به‌وضوح داره درباره‌ی رستاخیز و طبیعت و ماهیت بدن قیام کرده، صحبت می‌کنه.

پولس، در شروع، توضیح می‌ده که این چه‌طور یک واقعیت هست. پولس درباره‌ی این حقیقت می‌گه که بدن‌های فانی ما، در فساد کاشته شدن و میرا هستن، اما در جاودانگی، قیام می‌کنن. در تباهی کاشته شدن، ولی در جلال، قیام می‌کنن. پولس این فکر رو از کجا آورده؟ اون این عقیده رو از رستاخیز عیسی گرفته، این‌طور نیست؟ اگر تا حالا بدنی در فساد کاشته شده، اون بدن خداوند عیسی هست که زیر لعنت خدا و در صلیب جلجتا کشته شده.

جسم و بدن عیسی در خفت و خواری، کاشته شد، ولی در جلال، قیام کرد. در ناتوانی کاشته شد و در قوت، برخاست. در جسم طبیعی، کاشته شد و در بدن روحانی، قیام کرد. و پولس بعد در ادامه می‌گه: "و همچنین نیز مکتوب است که انسان اول، یعنی آدم نفس زنده گشت، اما آدم آخر روح حیاتبخش شد. لیکن روحانی مقدّم نبود بلکه نفسانی و بعد از آن روحانی. انسان اول از زمین است خاکی؛ انسان دوم خداوند است از آسمان. چنانکه خاکی است، خاکیان نیز چنان هستند و چنانکه آسمانی است، آسمانی‌ها همچنان می‌باشند. و چنانکه صورت خاکی را گرفتیم، صورت آسمانی را نیز خواهیم گرفت."

حالا همین‌جا رو با انگشت، نگه دارین و چند ورق جلوتر و به رساله‌ی دوم قرتیان ۳، برین و ببینین که پولس در آیات ۱۶ تا ۱۸ از فصل ۳، چی می‌گه: "... هرگاه به‌سوی خداوند رجوع کنند، نقاب برداشته می‌شود." صحبت پولس به‌ویژه درباره‌ی روش‌های فکری قوم یهود هست، این‌که چه‌طور اونا کلام مقدّس خدا در عهد عتیق رو می‌خونن، ولی عیسی خداوند رو نمی‌بینن. یک پرده یا نقاب، جلو چشمان اونا رو گرفته بود؛ مثل نقابی که موسی به چهره می‌زد تا جلال خدا که در چهره‌اش می‌درخشید، پنهان بشه.

یادم میاد، دوسال پیش من داشتم از نیوآرک به تل‌آویو، با هواپیما مسافرت می‌کردم که یک یهودی خیلی مذهبی از فرقه‌ی هسیدی وارد هواپیما شد. صندلی اون بین صندلی من و صندلی یک خانم رزو شده بود. و من می‌تونستم اونو ببینم. و وقتی نزدیک‌تر شد و فهمید که صندلیش کجاست، امکان نداشت که بین یک زن و یک غیر یهودی بنشینه. اون قدر هیاهوی و اعتراض کرد که بالاخره صندلیش رو عوض کردن. و صندلی اون آقای یهودی به‌اندازه‌ی کافی به من نزدیک بود که بتونم تمام طول اون پرواز شبانه، نگاهش کنم.

تمام شب، انگشت اون شخص، روی تورات بود. تمام روز و شب، در اون تفکر می‌کرد، ولی می‌دونین، پرده‌ای روی چشمانش رو پوشانده بود. حقیقتاً نمی‌دونست که به‌خاطر عیسی، خدا اجازه داده که اونم بتونه بین یک زن و یک غیر یهودی بنشینه. می‌دونین، اون کتاب مقدّس رو داشت، ولی نقابی روی چشمانش بود.

و پولس رسول، در اون‌جا می‌گه که وقتی روح‌القدس میاد، نقاب برداشته می‌شه و ما در کتاب مقدّس، عیسی رو می‌بینیم. می‌بینیم که سراسر کتاب مقدّس به عیسی اشاره می‌کنه. می‌بینیم که عیسی اومده تا با چهره‌ای بی‌نقاب، جلال خداوند رو آشکار کنه و ما هم در همون صورت، از جلال تا به جلال، متبدّل بشیم، چون این از خداوندی میاد که روح هست. توجه دارین که این یک تعلیم خیلی گسترده هست، درست نمی‌گم؟

رساله‌ی اولِ قرن‌تین ۱۵ و این‌جا هم رساله‌ی دومِ قرن‌تین ۳ رو بررسی کردیم. حالا اجازه بدین به بیان ساده‌تر عرض کنم که پولس در این‌جا چی داره می‌گه. پولس می‌گه که خداوند عیسی در سراسر زندگی خودش، با روح‌القدس، خیلی صمیمی و نزدیک بوده و روح‌القدس هم همراه همیشگی عیسی بوده. هرگز لحظه‌ای نبوده که عیسی نیاز داشته باشه که به روح‌القدس بگه: «من فکر نمی‌کنم تو واقعاً بدونی چه اتفاقی داره این‌جا می‌افته!» و هرگز لحظه‌ای هم نبوده که روح‌القدس باید به عیسی می‌گفته: «وای! عیسی الآن تو در مسیر درستی حرکت نمی‌کنی!»

یک هماهنگی کامل وجود داشته. اون قدر کامل که به‌نظر می‌رسه پولس، چیزی مشابه اینو می‌گه که عیسی و روح‌القدس در چنان هماهنگی و صمیمیت کاملی در تمام مراحل خدمت و مأموریت عیسی، زندگی و رفتار می‌کردن که وقتی عیسی، روح‌القدس رو بر ما می‌فرسته، انگار عیسی خودش رو بر ما می‌فرسته. من اعتقاد دارم و فکر می‌کنم که چون خدا ما رو برای مصاحبت با خودش، به شباهت خودش آفریده، نظم و ترتیب و یک سرنخی رو در تمام آفرینش و به‌ویژه در ما مردان و زنان، به ودیعه گذاشته تا بفهمیم خدا به چی شباهت داره. یکی از اون سرنخ‌ها، ازدواج هست.

پیش از این‌که من شبان یک کلیسا در ایالات متّحده بشم و منحصرأ در دانشکده الهیات تدریس کنم، برای موعظه کردن و پشت منبر رفتن، هرکاری می‌کردم. و برای همین، وقت‌های زیادی رو در آخر هفته‌ها در این کلیسا و اون کلیسا می‌گذروندم و اغلب هم میهمان زوج‌هایی می‌شدم که با میهمان‌نوازی، از من پذیرایی می‌کردن. و ناگفته نماند که بخشی هم به‌خاطر سرگرمی و تفریح آخر هفته بود که وقتی به خونه‌ی میزبان می‌رسیدم، خودم رو این‌طوری به چالش می‌کشیدم که چه قدر طول می‌کشه تا من بفهمم چرا این دو نفر باهم ازدواج کردن؟

حقیقتاً شما هم باید امتحانش کنین. خیلی جالبه. و معمولاً برای مسیحیان، خیلی سخت نیست. ماها که کامل نیستیم. ازدواج ما هم بی‌نقص نیست. ولی وقتی فیض و عطایا رو در یک شخص می‌بینین، وقتی به‌دنبال نیمه‌ی گمشده‌ی خودتون می‌گردین، و می‌تونین اونو در فلان شخص، پیدا کنین، می‌گین: «آهان، خودش، این دقیقاً همون یار موافقی هست که من بهش نیاز دارم.»

ولی بعدش، چیز دیگری بود که توجهم بهش جلب می‌شد و اگر بهتون بگم چیه، بهم می‌خندین، ولی فکر می‌کنم درست باشه. من شروع کردم به توجه کردن، چون به‌دنبالش بودم. چه‌طور آدم‌هایی که باهم زندگی می‌کنن، به‌تدریج، شبیه هم‌دیگه می‌شن. خب، شده به کسانی توجه کنین که سگ دارن؟ اونا توی خیابان‌ها راه می‌رن و شما سگ رو می‌بینین و به صاحبش نگاه می‌کنین و فکر می‌کنین و منم فکر می‌کنم که این درمورد افراد مجرد، خیلی صادق هست.

اگر سگ شما بهترین دوستتون باشه، اون وقت شما تمایل پیدا می‌کنین که به سگتون به شیوه‌ی سگی، واکنش نشون بدین. به‌نوعی شخصیت شما به شخصیت سگ، نزدیک می‌شه. در ازدواج هم همین‌ه. این‌طور نیست؟ شما برای ارتباط و مصاحبت با هم‌دیگه، شیوه‌های ارتباط چهره دارین. علائمی رو بین خودتون قرار دادین که اونا رو می‌شناسین. از طریق اینا، شما به‌تدریج، شبیه هم‌دیگه می‌شین.

اغلب شما نیاز ندارین چیزی رو به هم‌دیگه، توضیح بدین. همه چیز رو می‌دونین. باهم هماهنگ هستین و می‌دونین هردو به چی فکر می‌کنین. حالا اگر این برای ما که سقوط کرده و گناهکار هستیم، صادق هست، می‌تونین تصور کنین چه صمیمیتی بین عیسی خداوند و روح‌القدس، جریان داره؟ و بعد، وقتی به این موضوع، فکر می‌کنین، یعنی به همراهی روح‌القدس از در رحم قرار گرفتن عیسی، دوران رشد، تعمید آب، وسوسه شدن، خدمت و کار، رنج‌ها، شادی، اندوه، رستخیز، صعود به دست راست پدر آسمانی، فکر می‌کنین، درس بعدی که از انجیل یاد می‌گیرین، چیه؟

اینه: عیسی پیش پدر رفته و فرموده: «پدر، آیا به اونها، همون روح‌القدس رو عطا می‌کنی که با من بود؟» پس، مفهوم روز پنتیکاست، اینه که در این روز، عیسی روح قدّوس خودش رو می‌فرسته. برای همین‌ه که روح‌القدس، به روح خداوند، روح مسیح، روح قدّوس اون معروف هست که به قومش عطا می‌کنه تا کلام خدا رو در انجیل یوحنا ۱۴: ۱۷، به‌یاد ما بیاره که می‌گه: "یعنی روح راستی که جهان نمی‌تواند او را قبول کند زیرا که او را نمی‌بینند و نمی‌شناسند و اما شما او را می‌شناسید، زیرا که با شما می‌ماند و در شما خواهد بود..."

و بعدش، می‌دونه که اونا نمی‌تونستن معنای واقعی این گفته رو درک کنن که فرمود: "... شما او را می‌شناسید، زیرا که با شما می‌ماند و در شما خواهد بود." ولی به حرف‌هایی که بعد از اون می‌گه، توجه کنین: "شما را یتیم نمی‌گذارم، نزد شما می‌آیم." منظورش فقط این نیست که: «قیام می‌کنم و پیش شما برمی‌گردم»، منظورش اینه که: «من از طریق روح قدّوس خودم، به‌سوی شما خواهم آمد. روحی که در زندگی شما ساکن خواهد شد و هرگز شما رو ترک نخواهد کرد و شما رو رها نخواهد کرد و تا ابد، همراه شما خواهد موند.»

حالا اجازه بدین از موضوع کار روح‌القدس و زندگی و خدمت منجی خودمون، بیرون بیاییم و اجازه بدین که این سؤال خیلی ساده و ابتدایی رو ازتون بپرسم. چندتا روح‌القدس وجود داره؟ شماها پاسخ رو می‌دونین، تنها یک روح‌القدس، وجود داره. اجازه بدین پرسش رو کمی بازتر کنم. اگر شما مسیحی هستین، روح‌القدس رو دارین. عیسی پر از روح‌القدس بود.

پس اگر بیرسم چندتا روح القدس، وجود داره؟ آیا دوتا هستن؟ پاسخ اینه که نه، تنها یک روح القدس وجود داره، اون روح القدس که میاد تا در زندگی من که ایمان دار هستم، ساکن بشه، یکی هست و روح القدس دیگری وجود نداره، یعنی همون روح القدس که بر رحم مریم باکره، نزول کرد و همون روح القدس که در قبر یوسف اهل راحه هم حضور داشت و عیسی رو در اربابه‌ای از ابر، به جلالت بالا برد که در حضور کمال خوشی پدر آسمانی باشه و بعد، همون روح القدس به توسط خداوند عیسی در روز پتیکاست، بر کلیسای مسیح، نازل شد تا همیشه در ایمانداران مسیحی، ساکن باشه. بله، تنها یک روح القدس وجود داره، همون روح القدس که در عیسی خداوند و بر عیسی خداوند بود.

عیسی به شاگردانش گفت: «شما او را می‌شناسید...»، «زیرا او با شما می‌ماند و در شما خواهد بود...». یک جلسه‌ی درس دیگه نیاز هست تا به بررسی اهمیت این موضوع بپردازیم، البته نه در این سری از برنامه‌ها. ولی چون داریم به پایان این برنامه نزدیک می‌شیم. اجازه می‌خوام تنها یک اشاره به روشی بکنم که برجستگی موضوع رو بیان می‌کنه. منظور اینه که اگر من و شما مسیحی هستیم، یک روح القدس در همه‌ی ماها ساکن هست. و همون‌طور که به این موضوع پی می‌بریم و ما دربارهی هم‌دیگه فکر می‌کنیم، و من اجازه می‌دم که این موضوع، سراسر اندیشه‌ی منو در بر بگیره، یکی از چیزهایی که قراره رخ بده، اینه که من هرگز با هیچ مسیحی دیگری، رفتار یا واکنش خداناپسندانه‌ای نخواهم داشت.

اگر من به این فکر کنم که خداوند عیسی از مردن برای برادر یا خواهر ایمانی من، شرمسار نبوده، و روح قدّوس عیسی در ایمانداران دیگه هم ساکن هست، پس یک احساسی به وجود میاد که طبیعی‌ترین احساس در دنیاست. یعنی که از نظر روحانی، مسیحیان دیگر رو دوست داشته باشیم، باهاشون شادی کنیم، شکرگزار نعمت‌های خدادادی به اونا باشیم و خدا رو برای عطایایی که به اونا داده، سپاس‌گزاری کنیم و اونا رو تشویق کنیم. گاهی باید از خودمون و از کلیسای خودمون، خیلی شرمسار باشیم برای بداندیشی، نزاع، غرور، نبود فروتنی، شایعه‌پراکنی، از پشت خنجر زدن به مسیحیان دیگه و این‌که چه‌طور برادر یا خواهر ایمانی ما اولین چیزی که از ما می‌شنوه، نیک‌نامی و آبروی اونا از بین می‌بره.

یک چیز تقریباً مرز کفر گفتن به روح القدس هست. درسته؟ مرز کفرگویی، اینه که با شخصی که معبد روح القدس شده، طوری رفتار کنیم که انگار یک بت هست که باید شکسته بشه یا یک معبد کفر هست که باید نابود بشه. پس وقتی کلام مقدّس خدا این دیدگاه رو به ما می‌ده، و منم تأکیدش کردم، نباید تمرکز خودمون رو بیش از هر چیزی روی آن‌چه که روح القدس برای ما

داره، بگذاریم، بلکه آنچه که روح القدس برای خداوند عیسی داره. وقتی کشف می‌کنیم که روح القدس، چه معنا و جایگاهی برای عیسی خداوند داره و می‌فهمیم که ما چه ارزش و مفهومی برای خداوند عیسی داریم، اون وقت هست که کشف می‌کنیم روح القدس زندگی‌های ما و کلیساهای ما رو از اساس، دگرگون می‌کنه و ما رو تبدیل به جامعه‌ای می‌کنه که بی‌ایمانان، دستانشون رو با تعجب، باز می‌کنن و می‌گن: «مگر می‌شه چنین اتفاقی در دنیا، روی بده؟!»

و پاسخ این پرسش اینه که چون آسمان پایین آمده و روح جلال، روح‌های ما رو پر کرده. ایمان‌دار مسیحی بودن، واقعاً چه امتیاز بزرگی هست. جماعت کلیسای محلی من می‌دونن که متداول‌ترین شیوهی پایان دادن موعظه‌های من، اینه که چیزی بهتر از این گفته ندارم که بگم: «آیا فکر نمی‌کنین باشکوه‌ترین چیز در تمام دنیا، مسیحی بودن هست؟» و حقیقت، اینه که واقعاً همین‌طور هست که عرض کردم.

«پدر آسمانی، برای عطیه‌ی روح القدس تو، از تو سپاس‌گزاریم و می‌طلبیم که از روح تو پر بشیم، تا برادران و خواهران خودمون رو دوست داشته باشیم و محبت کنیم و در چنان رابطه‌ی نزدیک و صمیمی باهم زندگی و رفتار کنیم که دنیا ایمان بیاره که تو پسر ت رو فرستادی تا منجی ما باشه. و این دعا رو در نام عیسی می‌طلبیم. آمین.»